

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تیری میسان
برگردان از: خ. طه‌وری
۱۶ دسمبر ۲۰۲۱

آیا «خطر زرد» واقعی است؟



رئیس جمهور بایدن باز «خطر زرد» را گوشزد می‌کند: چین قبل از این‌که رژیم یکم‌تاز خود را به زور به ما تحمیل کند، پتنت‌های ما را می‌دزد، ارتشاً را ترویج می‌کند و محیط زیست را ویران می‌سازد. خوشبختانه ایالات متحده امریکا و ناتو، از دموکراسی و صلح دفاع خواهند کرد. ولی پیمان بین روسیه و چین که قاعدتاً با همین ترس روبه رو هستند را چگونه می‌توان توضیح داد؟ این «پیمانی بین دیکتاتورها» است. برای هرکس که جنگ سرد را تجربه کرده این روایت کاملاً نادرست به نظر می‌رسد.



پروژه جاده ابریشم چین یک موفقیت جهانی است. با وجود کلیه انتقادها (ارتشاً مقامات محلی، بدهی کشورهای شریک، نقض حقوق زیست محیطی) کلیه کشورهایی که در این پروژه سهیمند، شاهد رشد سریعی می‌باشند. چطور می‌توان درک کرد که کلیه برنامه‌های توسعه و تکاملی غرب از پایان سلطه استعمار تاکنون به چنین موفقیت‌هایی نایل نشد؟

و قبل از هر چیز چگونه می‌توان متعجب نشد که چرا غرب پس از ده‌ها سال ستایش دستاوردهای تبادل بین‌المللی جهانی این موفقیت را محکوم می‌کند؟

روابط بین غرب و چین در قرن ۲۱ Qui-pro-quo (این به جای آن و یا با یک دست بده و با یک دست بگیر) نیست بلکه فقط جنگی از سوءتفاهم‌های یک جانبه است. ایالات متحده از درک شیوه فکری چین سرباز می‌زند و کماکان عادت‌های بد خود را به بیجینگ نسبت می‌دهد.



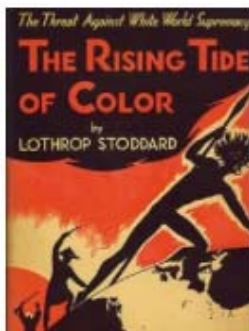
«خطر زرد» پرفروش‌ترین کتاب در دهه ۱۹۱۰. روس‌ها و چینی‌ها علیه تمدن مسیحی متحد خواهند شد (ولی روس‌ها مسیحی ارتدوکس بودند)

رقابت با جاده ابریشم

رئیس جمهور جو بایدن که سیاست همکار پیشین خود دونالد ترامپ را به کنار نهاده بود، اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا با چین به «رقابت» خواهد پرداخت، که در بیجینگ موجب نگرانی خاطر شد. او کشورهای عضو G7 را متقاعد کرد که باید برای حفظ

«برتری دموکراسی» بر «سیستم یک‌هتاز» چین، مبارزه کرد. این همان پروژه Build Back Better World (B3W) بود. با پیروی از خواست وی، اتحادیه اروپا پروژه رقیب Global Gateway را کلید زد. فردا بایدن همایش جهانی دموکراسی را با شرکت تایوان (کشور دیکتاتور سابق چیانکای چک) ریاست خواهد کرد تا این رودروئی را محتوای ایدئولوژیک ببخشد.

در یادمانده‌های ما جنگ سرد بین اتحاد جماهیر شوروی خدانشناس و غرب متدین و با بین کمونیسم و سرمایه‌داری صورت می‌گرفت ولی در واقع هدف ممانعت از نفوذ اقتصادی یک بلوک مدافع فرهنگ همبستگی، روی بلوک مدافع فرهنگ فردگرایی که زیر کنترل آنگلو ساکسون‌ها بود، بود. اکنون دیگر مآله این نیست که ادعا شود ما مدافع آزادی انجام فرایض دینی و یا آزادی «کارآفرینی» هستیم، بلکه خیلی ساده ما مدافع دموکراسی هستیم و نهایتاً مسأله اینجا است که قدرتی که قادر است از نظر اقتصادی با آنگلو ساکسون‌ها رقابت کند به سخره کشیده شود. این کشور دیروز اتحاد جماهیر شوروی بود و امروز چین است.



لوثروپ استودارد، روزنامه‌نگاری که لغت «اونترمensch» را که مورد استفاده نازی‌ها قرار گرفت خلق کرد، وحدت بین چینی‌ها و جاپانی‌ها علیه مرد سفید را مورد حمله قرار می‌داد.

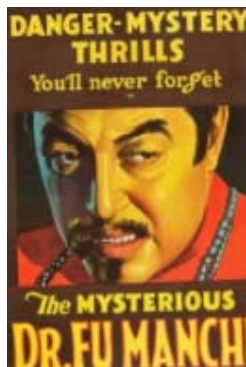
تله توسیدید

آنگلو ساکسون‌ها این لحظه سیاسی را با تکیه به تاریخ‌نگار عهد عتیق Thucydides که داستان جنگ‌های پلهپونز را نوشت، «تله توسیدید» تعبیر می‌کنند. در سال ۲۰۱۷ یک کارشناس مشهور علوم سیاسی امریکائی به نام پرفسور "گراهام الیسون" توضیح داد: «آنچه که جنگ را اجتناب

ناپذیر می‌کرد، رشد و گسترش قدرت آتن و افزایش ترس ناشی از آن در بین اسپارت‌ها بود.» به شکل مشابهی رشد و تکامل چین «امپراتوری امریکا» را به هراس افکنده است که اکنون خود را برای جنگ آماده می‌سازد. (۱) مهم نیست که این استدلال تفاوت‌های فرهنگی را در نظر نمی‌گیرد و یک طرح یونانی را در مورد چین به کار می‌بندد. مهم این است که واشنگتن به آن اعتقاد دارد. امریکا می‌داند که از طرف چین مورد تهدید قرار گرفته است.

اگر پرفسور "الیسون" در دهه ۱۹۸۰ یکی از مشاوران "کاسپر واینبرگر" در پنتاگون نبود و اگر آدم با فرهنگ تری بود، درک می‌کرد که چینی‌ها اصلاً مثل امریکائی‌ها فکر نمی‌کنند. او به بیجینگ گوش فرا می‌داد و علیه هر نوع پروژه رقابتی اعتراض می‌کرد و برای یک معامله «برد-برد» تبلیغ می‌نمود. او این فرمول را نه به معنای آنگلو ساکسونی آن بلکه به معنی چینی آن تعبیر می‌کرد تا موفقیت یکی را تضمین کند، بدون این‌که به منافع دیگری خسارت وارد آورد. وقتی در گذشته قیصر چین تصمیمی می‌گرفت، تنها آنگاه می‌توانست اصلاً این تصمیم را در ایالات و ولایات خود به اجرا درآورد که مطمئن بود برای هرکس امتیازی فراهم می‌کرد. از آن جا که دستورات او در این یا آن ایالت آن‌چنان تأثیری نداشت، او مجبور بود حتی امکاناتی به وجود آورد که به نفع آن ایالت می‌شد. قدرت قیصر تنها هنگامی تضمین بود که کسی را فراموش نکند، حتی ضعیف‌ترین‌ها را.

هر بار که واشنگتن از «رقابت» سخن می‌گوید، بیجینگ پاسخ می‌دهد که نه رقابت و نه جنگ را می‌پذیرد، بلکه خواستار روابط موزون «برد-برد» با همه است.



در دهه ۱۹۰۰ روزنامه‌نگار انگلیسی "ساکس رومر" توطئه «خطر زرد» را با یک سلسله از رمان‌های پولیسی در مورد خصلت خبیث "فومان‌چو" افشا کرد.

«دغلبازی» چینی

می‌توان گفت که غرب به خاطر رشد و توسعه سریع اقتصادی چین به هراس افتاده است. قرارداد بین "دنگ‌سیائوپینگ" و کنسرنهای چندملیتی امریکائی به نفع نازلترین مزدها شد و انتقال گسترده کارخانه‌های غربی را به چین سبب گردید. اقشار متوسط در اروپا از این می‌رود در حالی که در چین و اکنون در تقریباً تمام آسیا تکامل می‌یابد. کمیسیون اروپا که تا ۲۰ سال پیش از این پدیده شادمان بود، از سال ۲۰۰۹ به انتقاد از سازمان‌دهی اقتصاد چین پرداخت. در واقع این انتقاد قبلاً نیز وجود داشت ولی آن‌چه که از سال ۲۰۰۹ تغییر کرد، این انتقادات در چارچوب قرارداد لیسابون به حیطه مسئولیت بروکسل منتقل گردید. و اکنون یکبار به خاطر سرقت پتنت، یا عدم رعایت استانداردهای زیست‌محیطی و یا ناسیونالیسم اقتصادی چین ابراز می‌گردد.



بیجینگ مسئولیت کامل برای کسب Know-how غربی را می‌پذیرد. پتنت‌ها پراتیک جدیدی در جهان است. پتنت ۲۰۰ سال پیش در اروپا اختراع شد. قبل از آن این طور رسم بود که اختراع خصوصی نیست و باید همه کس از آن منتفع گردد. چینی‌ها هنوز همین‌طور فکر می‌کنند. بدون داشتن نیت سرقت از کسی برای انتقال فناوری قراردادهای تجاری امضاء می‌کنند. بعد آنها را به کار می‌بندند و تکامل می‌بخشند. فردا «خطر زرد» وارد خاک ایالات متحده امریکا خواهد شد. (کارتون‌های تبلیغی که بین سربازان امریکائی توزیع می‌شد)

در سال‌های گذشته قدرت‌های غربی صنایع آلوده‌کننده محیط زیست خود را به چین منتقل کردند. امروز بهانه می‌کنند که چین نسبت به آنها دارای استانداردهای نازل زیست‌محیطی است ولی در ضمن قصد این را هم ندارند، که صنایع آلوده‌کننده محیط زیست خود را دوباره به غرب بازگردانند. سوءتفاهم‌های فرهنگی در COP26 در گلاسکو به اوج خود رسید. غرب خواستار کربن‌زدایی از اقتصاد جهانی است در حالی که چین با آلودگی محیط زیست مبارزه می‌کند. از این رو بیجینگ با واشنگتن یک توافق‌نامه مشترک امضاء کرد (۲) که نشان دهد قصدش توهین به ایالات متحده آمریکا نیست. توافق‌نامه اطمینان می‌دهد که هر دو کشور خط مشابهی را دنبال می‌کنند بدون این که چیزی را روشن کنند و یا مسئولیت مشخصی را بپذیرند. تاکنون هیچ دیپلمات چینی به کسی نه نگفته است، گذشته از آن، این کلمه در زبان او وجود ندارد. از منظر چین این توافق‌نامه مشترک یک «نه» دیپلماتیک است و از دید ایالات متحده دلیلی در تأیید این که تمام جهان به علت گرمایش انسان‌ساخته جهانی معتقد است.

آنچه که به سرزنش و نکوهش ناسیونالیسم اقتصادی مربوط می‌شود، باید گفت که چینی‌ها هرگز انکار نکرده‌اند. آنها تجربه‌ای را که با ناسیونالیست‌ها و استعمارگران کردند، هنوز هضم ننموده‌اند. وقتی آنها در تجارت بین‌المللی به سرمایه‌داری روی آوردند، در تولید خود ناسیونالیستی باقی ماندند.

از طرف چینی‌ها هرگز نه ایجاد توهم و نه فریب وجود داشته است. صرفاً خودپسندی ایالات متحده آمریکا و شرکای آن مبنی بر این که همه مثل آنها فکر می‌کنند، باعث شده که هشدارهای محتاطانه بیجینگ به خود را تحقیر کنند.

سند تعلیمی افسران پنتاگون در دهه ۱۹۵۰



امپریالیسم چینی

مهم‌ترین سوءتفاهم مربوط می‌شود به تکامل نظامی چین. تنها کمتر از یک دهه چین توانست سلاح‌های بسیار پیش‌رفته‌ای را تولید کند. ارتش خلق که در گذشته در وهله اول، نیروی کار در خدمت جامعه بود اکنون به سپاه نخبگان تبدیل گردیده است. خدمت سربازی برای همه الزامی است ولی تنها بهترین‌ها می‌توانند امیدوار باشند که آن را کامل کنند و از امتیازهایی که ارائه می‌کند، برخوردار شوند. تا چند سال پیش چین از منظر نظامی تنها به خاطر جمعیتش قوی بود ولی امروز دارای قوی‌ترین نیروی بحری در جهان است و می‌تواند با دود کردن ماهواره‌های ارتش‌های ناتو، آنان را کر و کور کند.

ولی چین برای چه کاری به این تعداد سرباز و اسلحه نیاز دارد؟ چین مبالغه‌جویی سرمایه‌گذاری کرده تا جاده ابریشم را در خارج از مرزهای خود تأسیس کند. چین باید امنیت پرسنل خود و سرمایه‌گذاری‌هایش را در سرزمین‌های دور تأمین کند. گذشته از این مانند قرن عتیق و قرون وسطی چین باید امنیت این راه‌ها را تأمین کند. پایگاه‌های نظامی این کشور در خارج صرفاً در خدمت این اهداف است و نه برای رقابت با ایالات متحده آمریکا و یا برای تسخیر جهان. مثلاً پایگاه نظامی این کشور در جیبوتی امکان تأمین راه‌های تدارکاتی آبی را در مقابل راه‌زنان سومالیایی تضمین می‌کند. در ضمن باید اشاره کرد که بیجینگ و مسکو به مراتب سریع‌تر به نتیجه رسیدند تا ناتو که همین وظایف را برای خود تعیین کرده بود و کاملاً شکست خورد.

بیجینگ در نظر دارد تکه تکه شدن خود به کمک قراردادهای نابرابر که از طرف ۸ قدرت خارجی (اتریش/هنگری، بلجیم، فرانسه، آلمان، ایتالیا، جاپان، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) تحمیل گردید و به اشغال و تاراج کشور منجر شد را دوباره تجربه نکند. از این رو کاملاً مشروع است که این کشور خود را مانند کشورهای دیگر مسلح سازد

ولی این به هیچ وجه به این معنی نیست که چین قصد دارد مانند آنها رفتار کند بلکه می‌خواهد از خود در مقابل آنها محافظت نماید.

تارنگاشت عدالت
چهارشنبه، ۲۴ آذر [قوس] ۱۴۰۰
برگرفته از: شبکه ولترنت
منتشر شده در تاریخ: ۷ دسمبر ۲۰۲۱